

واکاوی جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در میان شهروندان شهر تهران با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری

پروانه بیاتی^۱

اسماعیل جهانبخش^۲

شاپور بهیان^۳

تاریخ وصول: ۹۸/۰۳/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۳

چکیده

مدارای اجتماعی مفهوم بنیادینی در حوزه تعاملات اجتماعی به شمار می‌آید و چنان‌که برخی از متفکرین تأکید کرده‌اند، تعاملات سازنده و مثبت، شالوده فرآیندهای اجتماعی است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در میان شهروندان ۱۸ تا ۷۰ ساله شهر تهران انجام گرفت. روش انجام پژوهش پیمایش است و جامعه آماری شامل کلیه شهروندان شهر تهران می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین گردید. جهت نمونه‌گیری از جامعه آماری از نمونه‌گیری طبقه‌ای استفاده شد که با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری، این روش به صورت چند مرحله‌ای و متناسب صورت گرفته است. به منظور سنجش متغیر وابسته مدارای اجتماعی از پرسشنامه ۵۷ گویه‌ای و گت و برای سنجش متغیرهای مستقل تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. در تحلیل داده‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده گردید که وضعیت شاخص‌های برازش مطلق، تطبیقی و مقتصد و انجام اصلاحات لازم قابل قبول بودن مدل نهایی را نشان داد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رابطه معنادار و مستقیمی بین متغیرهای مستقل، دین‌داری ($P=0/169$)، اعتماد اجتماعی ($P=0/105$)، ارزش‌های ابراز وجود ($P=0/152$) و احساس امنیت ($P=0/123$) با متغیر وابسته (مدارای اجتماعی) وجود دارد.

واژگان کلیدی: چالش‌ها، فرصت‌ها، مدارا، مدارای اجتماعی.

۱- دکتری جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

۲- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران. (نویسنده مسئول). esjahan@yahoo.com

۳- استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، مبارکه، ایران.

مقدمه

اندیشه مدارا در ابتدا مربوط به حق انتخاب مذهب بوده است، اما به تدریج این قلمرو گسترش یافت و تحمل هر نوع عقیده اخلاقی، سیاسی و مذهبی را در بر گرفت. منشأ دیگر مدارا را باید نزد اروپاییان در مشرب اصالت تکثر^۱ یافت؛ اصل این عقیده بسیار کهن است و به عقاید ارسطو باز می‌گردد. به اعتقاد او سعادت اجتماعی نه از راه وحدت مطلق، بلکه از راه وحدت در کثرت یا کثرت در وحدت بهتر تأمین می‌گردد (عنایت، ۱۳۷۹: ۱۵۸). بر این اساس مفهوم مدارا، دارای محتوایی کثرت‌گراست، زیرا زندگی و حیات بشری، جمعی و محل تکثر ارزش‌ها و غایت‌ها و تقابل و رویارویی میان آن‌هاست و زمانی که این غایت‌ها و ارزش‌ها در برابر یکدیگر قرار می‌گیرند، سه وضعیت از نظر فلسفی و اجتماعی به وجود می‌آید: در وضعیت اول غایت یا ارزشی بر غایت‌ها و ارزش‌های دیگر غلبه می‌کند و آن‌ها را از بین می‌برد و در این صورت ما از وضعیت هستی شناختی کثرت‌گرا خارج می‌شویم و وارد محدوده تک‌پنداری، تک‌گویی و وحدت‌گرایی می‌شویم که در این جا الزاماً راه‌حل خشونت جایگزین مدارا می‌شود. وضعیت دوم وضعیتی است که غایت‌ها و ارزش‌ها در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند ولی الزاماً با یکدیگر رویارویی و تلاقی ندارند؛ در اینجا ما در یک وضعیت «بی‌تفاوتی» قرار می‌گیریم که پایه و اساس فردگرایی خودخواهانه است. وضعیت سوم، وضعیتی است که ارزش‌ها و غایت‌ها با یکدیگر متفاوتند ولی در عین حال نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت نیستند. در این جا ما یک وضعیت گفتگویی داریم که به وجود آورنده وضعیت مدارایی است. چون مدارا همراه با گفتگو شکل می‌گیرد نه با بی‌تفاوتی و یا تک‌اندیشی‌گویی آمرانه. در واقع می‌توان گفت که مدارا یار دائمی است که طبق مکانیسم آن ارزش‌ها و غایت‌های متفاوت و مخالف با یکدیگر وارد بحث و گفتگو می‌شوند و رقابت سالمی میان اندیشه‌ها و برهان‌های گوناگون صورت می‌گیرد. بنابراین اگر مدارا صورت می‌گیرد به این دلیل است که من و دیگری به عقاید و نظرات یکدیگر توجه داریم و اگر امر توجه نباشد، احترام هم وجود نخواهد داشت و آن جا که احترام متقابل نباشد، مدارا هم نمی‌تواند به عنوان یک اصل شکل بگیرد، بنابراین مدارا برای هر گونه کنش و عمل اجتماعی الزامی است و اگر به صورت درست و دقیق تمرین نشود، نابود می‌شود» (جهانگلو، ۱۳۸۱: ۳۶۲)، خشونت یا بی‌تفاوتی جایگزین آن می‌گردد. به همین جهت می‌توان گفت، مدارا پارادایمی است که طبق مکانیسم آن ارزش‌ها و غایت‌های متفاوت و مخالف با یکدیگر وارد بحث و گفتگو می‌شوند و رقابت سالمی میان اندیشه‌ها و برهان‌های گوناگون صورت می‌گیرد و به همین دلیل است که انسان‌ها به عقاید و نظریات یکدیگر توجه دارند و اگر این توجه نباشد، احترام هم وجود نخواهد داشت و اگر احترام متقابل نباشد، مدارا هم به عنوان یک اصل نمی‌تواند شکل بگیرد. هر چند در زمان‌های گذشته تنوع فرهنگ‌ها، زبان و اقوام و دیگر

واکاوی جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در ...

عناصر زندگی اجتماعی کمتر بود و تحمل تفاوت‌ها و عقاید یکدیگر مسأله مهمی به حساب نمی‌آمد، اما با رشد و گسترش فزاینده ارتباطات در همه زمینه‌ها، از سویی تنوع فرهنگی، قومی، زبانی و اعتقادی بیش‌تر شده و از سویی دیگر، میزان تعاملات و برخورد افراد دو چندان شده است اما با همه این تفاسیر مدارا برای هرگونه کنش و عمل اجتماعی الزامی است.

مدارا امکان همزیستی مسالمت‌آمیز افرادی را که دیدگاه‌های متفاوتی دارند، در یک جامعه واحد فراهم آورده است زیرا عدم نهادینه شدن روحیه مدارا در کنش‌گران طیف گسترده‌ای از تعارضات را به وجود آورده است که دامنه آن از سطح برخوردهای محدود میان کنش‌گران فردی آغاز و تا سرکوب و حذف عقاید متفاوت در سطح ساختارهای وسیع‌تر مانند جوامع و دولت‌ها ادامه می‌یابد تا جایی که ما هر روزه شاهد بروز خشونت به اشکال مختلف به صورت لفظی و کلامی همچون دشنام، داد و فریاد و غیره و یا حتی خشونت جسمانی ملایم و شدید از هل دادن، ضرب و جرح تا قتل، در اطراف خود هستیم (رابینسون و همکاران، ۲۰۰۷). به همین دلیل در جامعه‌ای که به لحاظ قومی، زبانی، مذهبی و دینی از تنوع بالایی برخوردار است، لزوم مدارا به عنوان شاخصی برای وجود تنوع اجتماعی، بیش از پیش احساس می‌شود. به نظر مورنو (۲۰۰۳) مدارای اجتماعی به تفاوت‌ها و تمایزهای اجتماعی میان مردم اشاره دارد. این تفاوت‌ها و تمایزها وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، سبب تنوع، انعطاف‌پذیری و پایداری جامعه می‌شود. تنوعی که مفهومی فراتر از پایگاه و منزلت مرسوم جامعه بوده و نوعی وابستگی متقابل را می‌طلبد که در قالب مشارکت خود را نشان می‌دهد (ربانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۵).

بنابراین با توجه به اینکه در تهران افراد با مذاهب، قومیت‌ها و حتی ملیت‌های متفاوت زندگی می‌کنند؛ این امر سبب گشته که امروزه در جامعه و در بین شهروندان عدم درک تفاوت‌ها به شیوه‌های متعدد در زمینه‌های مختلف به وضوح دیده شود که پیامدهای آن خود را به صور مختلف نشان می‌دهد؛ از جمله خشونت به اشکال مختلف و ناسازگاری و غیره که وفاق اجتماعی مختل و آسیب‌ها و بیماری‌های اجتماعی را باعث می‌شود. از این رو مقاله حاضر درصدد بررسی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در میان شهروندان شهر تهران و پاسخگویی به سوالات زیر می‌باشد:

۱- آیا بین انومی شهروندان با مدارای اجتماعی آنان رابطه وجود دارد؟

۲- آیا بین دین‌داری شهروندان با مدارای اجتماعی آنان رابطه وجود دارد؟

۳- آیا بین اعتماد اجتماعی شهروندان با مدارای اجتماعی آنان رابطه وجود دارد؟

۴- آیا بین ارزش‌های ابراز وجود شهروندان با مدارای اجتماعی آنان رابطه وجود دارد؟

۵- آیا بین فردگرایی شهروندان با مدارای اجتماعی آنان رابطه وجود دارد؟

۶- آیا بین جزم‌اندیشی شهروندان با مدارای اجتماعی آنان رابطه وجود دارد؟

۷- آیا بین احساس امنیت شهروندان با مدارای اجتماعی آنان رابطه وجود دارد؟

وگت مدارا را یک گرایش رفتاری تعریف می‌کند؛ یعنی نگرش را از خلال رفتار فهم می‌کند و مدارا در این معنا در مقابل نگرش قرار می‌گیرد (فلپس، ۲۰۰۴: ۲۴). سازه مدارا برای وگت از سنت علوم سیاسی می‌آید و او مدارا را پیش‌نیازی برای جامعه مدنی برمی‌شمارد. وگت با مروری بر کارهای کریک، کینگ و کربت و ادغام آن‌ها تعریف جدیدی را از مدارا ارائه می‌دهد. از دید وی مدارا به سه دسته تقسیم می‌شود که با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. مدارای سیاسی را مدارا نسبت به اعمال افراد در فضای عمومی با احترام به آزادی‌های مدنی دیگران می‌داند. مدارای اخلاقی را نیز مدارا نسبت به اعمال دیگران در فضای خصوصی می‌داند. همچنین مدارای اجتماعی را مدارا نسبت به ویژگی‌های مختلف انسانی که از تولد همراه او هستند، تعریف می‌کند (فلپس، ۲۰۰۴: ۲۸۷).

نظریه‌پردازان متعددی به بررسی رابطه بین دین‌داری و مدارا پرداخته‌اند. ما در اینجا از دیدگاه‌های دورکیم و وبر در این زمینه بهره برده‌ایم. دورکیم نگاه کارکردگرایانه به دین دارد. به نظر او، کارکرد مهم دین تقویت وجدان جمعی و انسجام اجتماعی است. انسجام اجتماعی به دو صورت مکانیک و ارگانیک می‌باشد. در انسجام اجتماعی مکانیکی که مبتنی بر مشابهت و همانندی است، همه افراد به هنجارها و ارزش‌های جمعی باور دارند و براساس آن عمل می‌کنند. این نوع انسجام، ویژه جوامع سنتی است و دین نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ و تقویت آن دارد. نشانه جامعه دارای انسجام مکانیک، نظام حقوقی تنبیهی است که به دنبال تنبیه مجازات شدید کسانی است که هنجارهای اجتماعی را نقض می‌کنند. به این ترتیب هنگامی که خواستار تنبیه مجرم می‌شویم، به خاطر انتقام شخصی خود ما نیست، بلکه بخاطر حرمت چیز مقدسی است که ما تصور کم و بیش روشنی از آن به صورت نیرویی برتر و خارج از خود داریم. تصور ما از این امر برتر برحسب زمان و مکان فرق می‌کند؛ گاه فقط اندیشه‌ای ساده است مانند اخلاق، وظیفه و اغلب هم تصویری است به شکل یک یا چند موجود مشخص مانند نیاکان و خدایان. به همین دلیل حقوق جزایی نه تنها در آغاز شکل مذهبی دارد بلکه خصلت مذهبی بودنش را تا حدی همیشه حفظ می‌کند (دورکیم، ۱۳۸۱: ۹۳). وبر نیز معتقد است دین با مسائل و امور گوناگونی در تماس دائمی است که از آن جمله می‌توان به تماس دین با اجتماعات، اقتصاد، امور سیاسی، امور جنسی، هنر و حوزه خردورزی اشاره کرد. دین با موضع‌گیری در برابر این امور و واکنشی که نسبت به آنها نشان می‌دهد، الگوی خاصی از رفتار را تجویز می‌کند و انتظار دارد که پیروانش از این الگو تبعیت کنند (وبر، ۱۳۸۲: ۳۷۵).

اینگلهارت افزایش مدارا را در جامعه به توسعه اجتماعی-اقتصادی مرتبط می‌داند و معتقد است که مدارا از طریق تنوع بخشی به کنش‌های متقابل انسانی، تخصص‌گرایی شغلی و پیچیدگی اجتماعی افزایش می‌یابد. نتیجه رشد تنوع کنش‌های متقابل انسانی، رهایی افراد از قید و بندهای عمومی است. تنوع، افراد را از قید و

واکاوای جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در ...

بندهای عمومی انتسابی و جمع‌های بسته اجتماعی رها نموده و به کنش متقابل با دیگری بر مبنای مبادله سوق می‌دهد. در نتیجه افراد برای ارتباط و عدم ارتباط با هر کسی که بخواهند، آزادند و نقش‌های به شدت ثابت برای مقوله‌هایی مانند جنسیت و طبقه در حال تضعیف هستند و این امر مجال بیش‌تری به آن‌ها برای ابراز وجود به‌عنوان افراد می‌دهد. بنابراین قلمرو انتخاب انسانی از نظر اینگلههارت منجر به گرایش به سمت ارزش‌های ابراز وجود می‌گردد. در این راستا و همزمان با رشد تجربه امنیت وجودی و استقلال فردی، کاهش نیاز به حمایت گروهی و پیوندهای درون‌گروهی در گروه‌هایی مثل خویشاوندان پدیدار می‌شود و سرانجام اینکه از منظر اینگلههارت اخلاق مدارا و احترام به ارزش‌ها و اعتقادات دیگران، نتیجه رشد ارزش‌های ابراز وجود است (اینگلههارت، ۱۳۸۹: ۲۸).

دنيس چونگ (۱۹۹۴) در ارتباط با احساس امنیت اجتماعی معتقد است، موضوعی که به درستی درک نشده و محور به وجود آمدن بردباری می‌باشد، فرآیند سازگاری است. این فرآیند به طور خلاصه شیوه‌ای است که ضمن آن افراد گرایش‌هایشان را در پاسخ به تغییر اعمال و رفتارهای اجتماعی تغییر می‌دهند. تغییر در هنجارها نه تنها محدودیت بردباری افراد را تغییر می‌دهد، بلکه چگونگی احساس افراد پیرامون آنچه را که در موردش بردباری به خرج داده‌اند، را عوض می‌کند. فرآیند انطباق مشابه، کاهش ناهمخوانی است. کاهش ناهمخوانی و عقلانیت شیوه‌هایی است که افراد را با شرایط جدید منطبق می‌کند و در حقیقت افراد ادراک غلط خود را نسبت به موضوع تصحیح می‌کنند. از طریق این فرآیند ترس و اضطراب کنترل می‌شود و دیدگاه خویشتن‌دارانه که ذات بردباری است، گسترش می‌یابد. بنابراین بردباری، به سخاوت کسانی که مایل به خویشتن‌داری، و تنبیه کسانی است که از هنجارهای اجتماعی منحرف شده‌اند، بستگی ندارد بلکه به توانایی افراد در کاهش ترس و اضطراب و تطبیق با افکار جدید و گروه‌ها بستگی دارد. چونگ در ادامه خاطر نشان می‌کند که تحقیقات انجام شده پیرامون بردباری به خوبی رابطه قوی میان ترس یا ادراک از خطر و بردباری را نشان داده‌اند (چونگ، ۱۹۹۴: ۶۲).

تریاندیس (۱۹۹۶) معتقد است که در یک فرهنگ جمع‌گرا، اهداف فردی تابعی از اهداف جمع است. هنجارها، وظایف و اجبارها بیشتر رفتارهای اجتماعی را تنظیم می‌کند، برعکس در فرهنگ فردگرا، فرد مستقل و خود مختار از جمع تعریف می‌شود. اهداف فردی مقدم بر اهداف جمعی هستند و رفتار اجتماعی بر مبنای سود و زیان فردی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر ایده فردگرایی مبتنی بر این نظریات است که تعامل افراد با یکدیگر مبتنی بر برابری، رقابت، انصاف و مبادله براساس قرارداد است. افراد گروه، مستقل و بدون رابطه با دیگران در نظر گرفته می‌شوند، هیچ فردی از امتیاز خاصی برخوردار نیست، منافع به تساوی و براساس شایستگی و عملکرد، تقسیم و توزیع می‌شوند (تریاندیس، ۱۹۹۶: ۲۵۷). بنابراین انتظار می‌رود که

افراد جمع‌گرا به خاطر تبعیت از هنجارهای جمعی، در مقابل افراد و گروه‌هایی که به این هنجارها عمل نکنند و یا رفتاری متضاد با این هنجارها داشته باشند، عدم بردباری بیشتری از خود نشان می‌دهند. از دیدگاه هینکلی یکی از عوامل تأثیرگذار بر مدارا، درگیری مستقیم در سیاست دموکراتیک است. او بر این اساس به ارائه مدل یادگیری دموکراتیک می‌پردازد. براساس این مدل، مدارا زمانی به بهترین شکل فرا گرفته می‌شود که شهروندان عملاً در معرض سیاست دموکراتیک قرار گیرند. وی بیان می‌دارد که ممکن است تمایلات فردی، تأثیر مشارکت سیاسی را بر مدارا مشروط نماید. به عبارتی دیگر برخی ویژگی‌های روان‌شناختی مانند دگماتیسم با تحریک متفکران دگماتیسم (جزم‌اندیش) به چارچوب‌بندی سیاست به‌عنوان جدالی بین کنش‌گران که به لحاظ اخلاقی خوب یا بد هستند، از فرآیند یادگیری دموکراتیک جلوگیری می‌کند. زیرا این متفکران دگماتیک معتقدند که گروه‌های مورد نظر شایسته حقوق دموکراتیک نیستند (هینکلی، ۲۰۱۰: ۲۱۵). سپس هینکلی بیان می‌کند که ممکن است تمایلات فردی، تأثیر مشارکت سیاسی را بر مدارا مشروط نماید. به عبارت دیگر، برخی ویژگی‌های روان‌شناختی مانند دگماتیسم با تحریک متفکران دگماتیسم (جزم‌اندیش)، به چارچوب‌بندی کردن سیاست به‌عنوان جدالی بین کنشگران که به لحاظ اخلاقی خوب یا بد هستند، از فرآیند یادگیری دموکراتیک جلوگیری می‌کند. روکیچ نیز در جهت موافق با دیدگاه هینکلی بیان می‌دارد که: دگماتیسم عمومی‌ترین ویژگی فردی است که بر مدارا تأثیر می‌گذارد (پرین، ۱۳۷۴: ۹۵).

پرسل (۲۰۰۱) معتقد است که بین شرایط اقتصادی (فشار مالی)، آنومی و مدارا ارتباط وجود دارد. به عبارت دیگر شرایط اقتصادی (فشار مالی) باعث ایجاد آنومی می‌گردد و آنومی نیز به نوبه خود بر مدارای اجتماعی تأثیر می‌گذارد. از طرف دیگر شرایط اقتصادی (فشار مالی)، مستقیماً بر مدارای اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد. وی بیان می‌دارد که «با افول شرایط اقتصادی، میزان مدارای اجتماعی نیز کاهش می‌یابد». بنابراین انتظار می‌رود مردمی که یک یا چند شکل از فشار مالی را تجربه می‌کنند، سطح پایین‌تری از عضویت در انجمن‌ها و اعتماد و میزان بالاتری از آنومی را داشته باشند و احتمال کمتری وجود دارد که این افراد از مدارا نسبت به سایر گروه‌ها حمایت کنند (پرسل، ۲۰۰۱: ۵۹). پس بر حسب این دیدگاه می‌توان ذکر نمود که بین فشار مالی و آنومی و بین آنومی و مدارای اجتماعی و همچنین مستقیماً بین فشار مالی و مدارای اجتماعی ارتباط وجود دارد. قابل ذکر است که مفهوم آنومی در نزد پرسل مبتنی بر نظریه آنومی مرتن است. به عبارتی منظور از آنومی «عدم تطابق بین اهداف و وسایل اجتماعی مورد قبول جامعه می‌باشد». دورکیم نیز در این زمینه معتقد است که در گذار جامعه از همبستگی مکانیک به ارگانیک، گسترش تقسیم کار همواره به آسانی صورت نمی‌گیرد و تحت شرایطی تقسیم کار به صورت غیر عادی گسترش می‌یابد. وی در این زمینه به نقش بحران‌های اقتصادی و کشمکش‌های صنعتی و انواع ورشکستگی‌ها در خلال فرآیند تقسیم کار اشاره می‌کند.

واکاوی جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در ...

دورکیم معتقد است که چنین شرایطی از تقسیم کار غیر عادی زمینه را برای بروز بی‌هنجاری فراهم می‌کند (پرسل، ۲۰۰۱: ۸۲).

فرزام (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی پرداخته است. در این پژوهش با استفاده از نظریه منش و میدان بوردیو به دنبال بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی و به طور خاص مدارای رفتاری می‌باشد. برای بررسی مدارای اجتماعی (رفتاری) از تقسیم‌بندی کینگ استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش کلیه جوانان ۱۸-۳۵ سال شهر ساری (۱۷۶۹۹۶ نفر) بوده که ۴۰۰ نفر از آن‌ها به عنوان حجم نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که بین سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با مدارای اجتماعی (رفتاری) رابطه و تأثیر معناداری وجود دارد. نتایج آزمون مدل ساختاری نشان می‌دهد که سرمایه فرهنگی تأثیر مستقیم (۰/۵۶) بر مدارای اجتماعی (رفتاری) فرد دارد. همچنین سازه سرمایه فرهنگی توانسته ۳۱ درصد از تغییرات سازه مدارای اجتماعی را تبیین کند.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی جامعه‌شناختی ابعاد مدارای اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)»، با روش پیمایش به پیش‌بینی ابعاد مدارای اجتماعی براساس ویژگی‌های شخصیتی در میان ۳۷۷ نفر از دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید چمران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای پرداختند. نتایج نشان داد که از بین ویژگی‌های شخصیتی، تنها وظیفه‌شناسی نقش تبیین‌کنندگی مدارای اجتماعی را دارد. همچنین در مورد تأثیر ویژگی‌های شخصیتی بر ابعاد مدارای اجتماعی، توافق‌پذیری تبیین‌کننده مدارای عقیدتی، وظیفه‌شناسی و توافق‌پذیری تبیین‌کننده مدارای رفتاری، وظیفه‌شناسی، توافق‌پذیری و باز بودن تبیین‌کننده مدارای سیاسی و همچنین ویژگی باز بودن و برون‌گرایی تبیین‌کننده مدارای هویتی هستند.

زالی‌زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی موضوع پیش‌بینی ابعاد مدارای اجتماعی بر اساس سبک‌های هویت‌شناختی - اجتماعی در دانشجویان پرداخت. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید چمران بود که از میان آن‌ها ۲۷۷ نفر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش عبارت بود از پرسشنامه تجدید نظر شده سبک‌های هویت (نوع چهارم) و پرسشنامه ابعاد مدارا پیتر کینگ (۱۹۷۶). یافته‌های پژوهش بیانگر این است که سبک اطلاعاتی، پیش‌بینی‌کننده مثبت مدارای عقیدتی، سیاسی و هویتی می‌باشد. همچنین این سبک به صورت منفی مدارای رفتاری را پیش‌بینی کرد. سبک سردرگم پیش‌بینی‌کننده مدارای سیاسی، عقیدتی و هویتی به صورت منفی بوده در حالی که مدارای رفتاری را به صورت مثبت پیش‌بینی کرد. در مجموع نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های هویت بر ابعاد مدارای اجتماعی تأثیر دارد.

گلابی و رضایی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی، به بررسی و سنجش مشارکت اجتماعی و مدارای اجتماعی براساس تقسیم‌بندی وگت بر روی ۳۰۷ نفر از دانشجویان دانشگاه پیام نور مشگین‌شهر پرداختند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بوده است. نتایج نشان داد که میزان مدارای اجتماعی با مشارکت اجتماعی و ابعاد سه‌گانه آن دارای همبستگی مستقیم معنی‌دار می‌باشد، اما مشارکت و مدارای اجتماعی براساس وضعیت تأهل دانشجویان معنی‌دار نبود. در متغیرهای زمینه‌ای، مقطع تحصیلی تأثیر معناداری بر روی مدارای اجتماعی داشته است. در نهایت تحلیل رگرسیون نشان داد که ۱۲/۸ درصد از تغییرات متغیر مدارای اجتماعی توسط ابعاد سه‌گانه مشارکت قابل تبیین است اما بین ابعاد مشارکت اجتماعی، بعد نگرش مشارکتی تأثیر بیش‌تری نسبت به دو بعد دیگر بر مدارای اجتماعی دارد.

افراسیابی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «مطالعه خانواده‌های شهر شیراز در زمینه عوامل و پیامدهای مدارا»، به مطالعه ۷۰۱ خانواده شهر شیراز پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای تحصیلات والدین، استفاده از رسانه‌ها، امکانات زندگی، درآمد خانواده، روابط اجتماعی و فعالیت‌های مدنی اعضای خانواده، دارای رابطه معنی‌دار با میزان برخورداری از حاکمیت مدارا در فضای خانواده می‌باشد. در میان عوامل مؤثر بر مدارا، میزان برخورداری از امکانات زندگی، بیش‌ترین تأثیر را بر مدارا نشان داده است. در مورد پیامدهای مدارا نیز نتایج نشان داده است که مدارا رابطه معکوسی با تمایل اعضای خانواده به ترک خانواده، انحرافات و دورویی در خانواده دارد.

مقتدایی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن، با روش پیمایش و تکنیک پرسشنامه و با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای، به بررسی عواملی چون آنومی، جزم‌اندیشی، ارزش‌های برابر وجود، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت، فردگرایی، تحصیلات، قومیت و محل تولد بر مدارای اجتماعی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که عواملی چون آنومی، جزم‌اندیشی، رابطه معکوس و معنادار با مدارای اجتماعی در شهر اهواز دارد. همچنین ارزش‌های ابراز وجود، اعتماد اجتماعی، احساس امنیت، فردگرایی، تحصیلات، قومیت و محل تولد به‌طور مستقیم بر میزان مدارای شهروندان تأثیر می‌گذارد؛ و متغیر فشار مالی به‌طور غیرمستقیم و از طریق متغیر واسطه آنومی با مدارا رابطه دارد.

موناوار اسماعیل (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان عقیده؛ اساس تحمل اجتماعی، با روش توصیفی و نمونه‌گیری تصادفی به بررسی تأثیر عقیده بر تحمل اجتماعی در میان دانش‌آموزان، معلمان، مدیران آموزش و پرورش مالزی پرداخت. نتایج تحقیق نشان داد که دانش عقیده بر معنویت و اخلاقیات دانش‌آموزان تأثیر

واکاوی جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در ...

دارد. عقیده اسلامی می‌تواند موجب بهبود استانداردهای اخلاقی شود. در نهایت نتایج بیانگر تأثیر زیادی است که عقیده بر فعالیت‌های اجتماعی دانش‌آموزان دارد.

ویتنبرگ و باترس (۲۰۱۲) در پژوهش خود به بررسی رابطه برخی ویژگی‌های شخصیتی با ابعاد مدارای پرداختند. ابعاد مدارا شامل مدارای عقیدتی، مدارای عملی و مدارای گفتگو بود. نتایج نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی باز بودن و توافق‌پذیری پیش‌بینی‌کننده مدارای عقیدتی، ویژگی‌های شخصیتی همدلی (که مؤلفه‌های آن ارتباط نزدیکی با ویژگی توافق‌پذیری دارد)، مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده مدارای گفتگو است. ضمناً توافق‌پذیری و همدلی پیش‌بینی‌کننده مدارای عملی هستند. اما از آنجا که در گذشته مفهوم مدارا تحت عنوان تعصب صورت‌بندی می‌شد، بیش‌تر مطالعات در واقع تعصب را مورد بررسی قرار می‌دادند اما اخیراً با عنایتی که به ایضاح مفاهیم و واژگان صورت گرفته، این دو مفهوم به صورت جداگانه مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند.

اریکسون (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان ریشه‌های مدارا با یک تحقیق پیمایشی به این نتیجه رسیده‌اند که افراد دارای تحصیلات بالاتر، دارای شبکه اجتماعی وسیع، متنوع و فعال‌تر در انجمن‌های ارادی از مدارای بالاتری برخوردارند. هم‌چنین ساکنان مناطق شهری از مدارای بیش‌تری برخوردارند.

های و همکاران (۲۰۰۶)، نیز در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی و هماهنگی قومی» به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و بین‌گروهی و منازعات قومی پرداختند. سؤال اصلی آن‌ها این بود: که چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و بین‌گروهی، یا تعامل اعضای گروه‌های مختلف قومی در انواع مختلف انجمن‌ها و نگهداری روابط صلح‌آمیز قومی وجود دارد. پژوهش‌گران در این تحقیق به این نتیجه رسیدند که تعاملات بین فردی در زندگی انجمنی برای تبیین روابط صلح‌آمیز، عنصری کلیدی محسوب نمی‌شود. اما در عوض عضویت در گروه‌های متعدد، شدت مشارکت و مدت زمان عضویت در گروه‌ها برای تبیین رابطه صلح‌آمیز بین قومی، عناصر تأثیرگذار محسوب می‌شوند. شایان ذکر است که پژوهشگران در بخش مقاله مذکور به بررسی رابطه مدارا، به عنوان نوعی از روابط صلح‌آمیز بین قومی و متغیرهای تحقیق پرداخته‌اند. از بین متغیرهای موجود، مدارا با تعاملات بین قومی در انجمن‌ها، سن، زبان و مدت اقامت در محل رابطه معناداری ندارد اما با سایر ابعاد عضویت انجمنی از قبیل عضویت در گروه‌های متعدد، شدت مشارکت و مدت زمان عضویت در گروه رابطه مثبت و معناداری مشاهده شده است. از بین متغیرهای زمینه‌ای تحصیلات و جنسیت با مدارا رابطه‌ای مشابه دارند.

روش

روش مورد استفاده در پژوهش حاضر پیمایش^۱ است. پژوهش حاضر از نظر هدف بنیادی کاربردی است که هم درصدد است، عوامل جامعه‌شناختی را در محدوده موضوع تحقیق (چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی) آزمون کند و هم دارای جنبه‌های کاربردی است که می‌توان با استفاده نتایج این پژوهش بر تقویت عناصر مؤثر در بهبود فرصت‌ها و کاهش چالش‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در بین شهروندان کمک کند. واحد مشاهده فرد است و تحقیق در سطح توصیف و تبیین عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر متغیر وابسته (آنومی، دینداری، اعتماد اجتماعی، ارزشهای ابراز وجود، فردگرایی، جزم‌اندیشی و احساس امنیت) انجام می‌شود. جامعه آماری این پژوهش کلیه شهروندان شهر تهران که بین ۱۸ تا ۷۰ سال سن دارند، می‌باشد. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵، جمعیت کل شهر تهران ۱۳۲۶۷۶۳۷ نفر بوده است که از این تعداد ۴۷۱۸۴۶۵ نفر را افراد ۱۸ تا ۷۰ سال به بالای مرد و ۴۷۱۶۵۸۰ نفر را افراد ۱۸-۷۰ سال به بالای زن و مجموع ۹۴۳۵۰۴۵ تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۸۴ نفر برآورد گردیده است. روش نمونه‌گیری طبقه‌ای است که با توجه به ویژگی‌های جامعه آماری، این روش به صورت چند مرحله‌ای و متناسب با جمعیت هر یک از طبقات (به صورت تقریبی) صورت گرفته است. برای این منظور بر اساس طبقه‌بندی مناطق شهرداری شهر تهران، که شامل ۲۲ منطقه و ۳۷۰ ناحیه می‌باشد، اقدام به نمونه‌گیری تصادفی شده است. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شد. ابزار تحقیق شامل پرسشنامه استاندارد میزان سنجش مدارای اجتماعی که در سال ۱۹۹۷ توسط وگت طراحی گردید و دارای ۵۷ گویه و پایایی ۰/۷۵ است، می‌باشد. برای تعیین اعتبار^۲ ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش اعتبار صوری گردید. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، از نرم افزار آماری SPSS و تکنیک مدل معادلات ساختاری استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: در این پژوهش، چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در بین شهروندان شهر تهران مورد واکاوی قرار گرفته است. نتایج به دست آمده از آمارهای توصیفی نشان می‌دهد که از مجموع ۳۸۴ نفر حجم نمونه ۱۹۲ نفر (۵۰ درصد) از افراد نمونه دارای جنسیت مرد و ۱۹۲ نفر (۵۰ درصد) نیز دارای جنسیت زن بوده‌اند. همچنین ۳ نفر از حجم نمونه (۰/۸ درصد) دارای مدرک تحصیلی

1- Survey

2- Validity

واکاوی جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در ...

ابتدایی، ۷ نفر (۱/۸ درصد) راهنمایی، ۲۲ نفر (۵/۷ درصد) متوسطه، ۹۰ نفر (۲۳/۴ درصد) فوق دیپلم، ۱۶۳ نفر (۴۲/۴ درصد) لیسانس، ۷۰ نفر (۱۸/۲ درصد) فوق لیسانس و ۲۹ نفر (۷/۶ درصد) دارای مدرک تحصیلی دکتری بوده‌اند. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل بیانگر آن است که ۲۱۷ نفر (۵۶/۵ درصد) متأهل و ۱۶۷ نفر (۴۳/۵ درصد) هم مجرد بوده‌اند. میانگین شاخص توصیفی مدارای اجتماعی شهروندان ۴/۸ است که با توجه به دامنه پاسخ‌ها که از (۱-۵) است، نشان‌دهنده میزان شدت بالای مدارای اجتماعی شهروندان می‌باشد.

یافته‌های تبیینی؛ در این بخش، فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون قرار می‌گیرد.

جدول (۱): ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و مدارای اجتماعی شهروندان

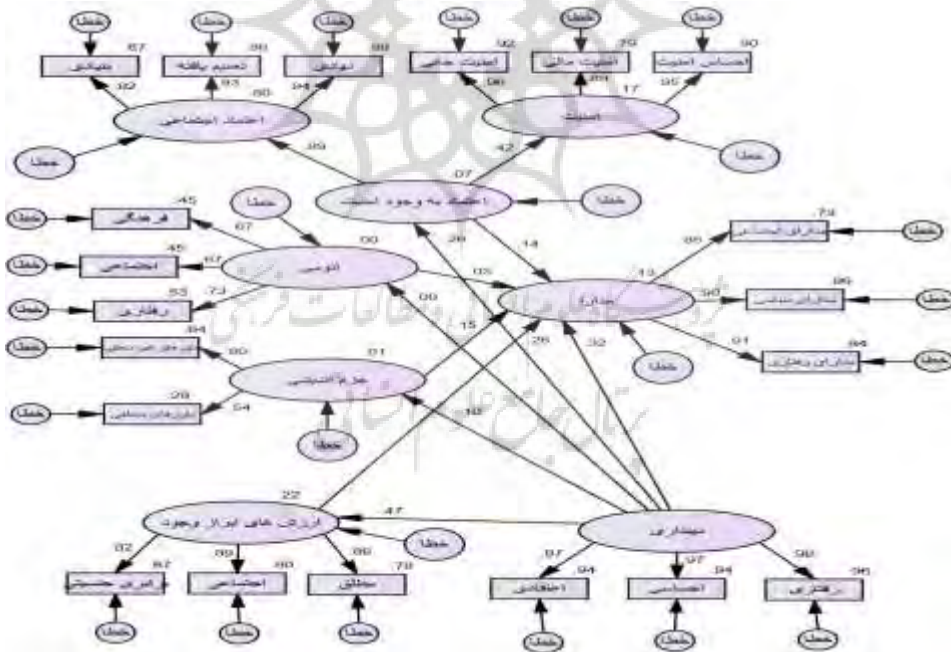
متغیر مستقل	ضریب همبستگی	تعداد	سطح معنی داری (sig)
احساس انومی	-۰/۵۰	۳۸۴	-۰/۳۲۷
دینداری	۰/۱۶۹	۳۸۴	-۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی	۰/۱۰۵	۳۸۴	-۰/۰۴۰
ارزشهای ابراز وجود	۰/۱۵۲	۳۸۴	-۰/۰۰۳
فردگرایی	-۰/۰۴۱	۳۸۴	-۰/۴۲۳
جزم‌اندیشی	-۰/۰۶۰	۳۸۴	-۰/۲۳۹
احساس امنیت	۰/۱۲۳	۳۸۴	-۰/۰۱۶

بر اساس داده‌های بدست آمده از آزمون در جدول شماره ۱ و با توجه به سطح معنی‌داری ($sig \leq 0/05$)، بین متغیرهای مستقل دین‌داری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود و امنیت شهروندان با متغیر وابسته مدارای اجتماعی رابطه معنی‌داری مشاهده می‌شود که این رابطه مثبت و مستقیم است. به این معنا که با افزایش دین‌داری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود و امنیت شهروندان، میزان مدارای اجتماعی آن‌ها افزایش می‌یابد اما بین متغیرهای انومی، فردگرایی و جزم‌اندیشی با مدارای اجتماعی شهروندان رابطه معنی‌داری مشاهده نمی‌شود و قابلیت تعمیم به جامعه آماری پژوهش را ندارد.

برآورد و آزمون مدل معادله ساختاری نهایی؛ ضرایب استاندارد مدل معادله ساختاری تأثیر

دین‌داری بر سازه‌های اعتماد اجتماعی، انومی، ارزش‌های ابراز وجود، جزم‌اندیشی و امنیت و تأثیر این سازه‌ها بر مدارای شهروندان برآورد گردید و آزمون مدل کامل معادله ساختاری هر یک از مدل‌های اندازه‌گیری تدوین شده و برای سازه‌ها به صورت جداگانه مورد تحلیل قرار گرفت تا مشخص شود که هر یک از مدل‌ها دارای حائز حداقل معیارهای علمی تعریف شده هستند یا خیر و بر مبنای اتخاذ چنین روشی هفت مدل تک

عاملی به طور مجزا برآورد و آزمون گردید. به هنگام آزمون مدل معادله ساختاری تأثیر فردگرایی به عنوان متغیر مستقل بر متغیر وابسته مدارا و نتایج به دست آمده از آن نشان داد که این مدل دارای شرط رتبه با درجه آزادی چهار بود اما شرط مرتبه یعنی کای اسکوئر به دست نیامد. برای اصلاح مدل وزن رگرسیونی متغیر پنهان فردگرایی به معرف جمع‌گرایی برابر با یک قرار داده شد و همچنین در نظر گرفتن عدد ۴ بر آستانه شاخص‌های اصلاح، آزاد گذاردن و ثابت کردن پارامترها نتیجه قابل قبولی به دست نیامد، این مدل معادله ساختاری حذف گردید. مدل معادله ساختاری تأثیر امنیت بر مدارا پس از انجام اصلاحات لازم هم‌چنان شاخص برازش مقتصد رتبه دوم RMSEA حد نصاب استاندارد لازم را به دست نیاورد. مدل معادله ساختاری تأثیر اعتماد اجتماعی بر مدارا نیز پس از انجام اصلاحات لازم مقدار P-Value حد نصاب استاندارد تعریف شده معیارهای علمی را به دست نیاورد. نهایتاً دو مدل معادله ساختاری، تأثیر امنیت بر مدارا و مدل معادله ساختاری تأثیر اعتماد اجتماعی بر مدارا در قالب مدل معادله ساختاری سه عاملی مرتبه دوم با نام اعتماد به وجود امنیت انجام گردید.



شکل (۱): مدل معادله ساختاری نهایی

جدول (۲): شاخص‌های برازش مدل معادله ساختاری تدوین شده

شکل ۱	AGFI	RMSEA	CFI	PCFI	TLI	CMIN	P	DF	CMIN/DF
	۰/۸۳۶	۰/۰۸۱	۰/۹۳۹	۰/۷۸۶	۰/۹۲۸	۵۶۲/۵۱	۰/۰۰۰	۰/۱۵۹	۳/۵۳۸

با توجه به شاخص کلی برازش مدل کامل پس از اطمینان نسبی از قابل قبول بودن مدل‌های اندازه‌گیری در مدل معادله ساختاری تدوین شده، می‌توان برآورد پارامترها و آزمون کلی و جزئی مدل کامل را انجام داد. به همین منظور کلیت مدل با استفاده از شاخص‌های برازش کلی تحلیل می‌شوند. بنابراین در ابتدا با استفاده از اطلاعات موجود در جدول شماره ۲ شاخص‌های کلی برازش مورد بررسی قرار می‌گیرند. به منظور قابل قبول بودن شاخص‌های برازش در مرحله اول و قبل از هرگونه اصلاح در مدل ساختاری با اتخاذ رویکرد دو مرحله‌ای، مدل‌های اندازه‌گیری مورد تجزیه و تحلیل و در صورت نیاز مورد اصلاح قرار گرفتند. نسبت کای اسکور به درجه آزادی (CMIN/DF) یا کای اسکور به مقدار $۳/۵۳۸$ حاکی از یک وضعیت قابل قبول برای مدل است. شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) با مقدار $۰/۸۳۶$ که بر مبنای تفاوت واریانس‌ها و کوواریانس‌های مشاهده شده و همچنین واریانس‌ها و کوواریانس‌های پیش‌بینی شده بر مبنای مدل تدوین شده قرار دارد. بررسی وضعیت شاخص‌های برازش تطبیقی (CFI) به مقدار $۰/۹۳۹$ و شاخص TLI به مقدار $۰/۹۲۸$ و همچنین شاخص برازش مقتصد ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA به مقدار $۰/۰۸۱$ و شاخص برازش تطبیقی مقتصد PCFI به مقدار $۰/۷۸۶$ قابل قبول بودن مدل را نشان می‌دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به واکاوی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در میان شهروندان شهر تهران پرداخته شد. نتایج تحقیق بیان‌کننده این است که متغیر دین‌داری با میانگین $۴/۴۶$ و انحراف معیار $۰/۷۴۳$ ، متغیر اعتماد اجتماعی با میانگین $۴/۵۲$ و انحراف معیار $۰/۶۹۳$ ، متغیر ارزش‌های ابراز وجود با میانگین $۴/۲۸$ و انحراف معیار $۰/۷۷۴$ و متغیر احساس امنیت با میانگین $۴/۸۲$ درصد و انحراف معیار $۰/۴۳۸$ می‌باشد که نشان‌دهنده رابطه دین‌داری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود و احساس امنیت با مدارای اجتماعی شهروندان می‌باشد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد که رابطه معنادار و مستقیمی بین متغیرهای مستقل دین‌داری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود و احساس امنیت با متغیر وابسته مدارای اجتماعی وجود دارد.

فرضیه اول، رابطه آنومی با مدارای اجتماعی شهروندان را بررسی کرد. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه معناداری بین متغیر آنومی با مدارای اجتماعی شهروندان وجود ندارد. به عقیده مرتن، آنومی عدم تطابق بین اهداف و وسایل جمعی مورد قبول جامعه می‌باشد. وی در کتاب نظریه اجتماعی و ساختار اجتماعی، موضوع ساخت اجتماعی و بی‌هنجاری را مطرح نموده و معتقد است که احساس واقعی سرخوردگی، درماندگی، بی‌عدالتی و ... به تنهایی از هیچ یک از این عوامل بر نمی‌خیزد، بلکه از روابط خاص میان آن‌ها پدید می‌آید. بنابراین اگر توزیع واقعی امکانات و فرصت‌ها دگرگون شود، رفتارهای همساز با قواعد اجتماعی که باید موجب نیل به اهداف گردند کارایی خود را از دست داده و باعث ناراحتی و نهایتاً آنومی و بی‌هنجاری گردیده و با مختل کردن قدرت هنجارهای اجتماعی و ناهنجاری باعث فشار بر سیستم اجتماعی می‌گردد (گلاتزر، ۱۳۷۸: ۱۷۰). دورکیم مفهوم آنومی را در سطح فردی نوعی نابسامانی فردی می‌داند که فرد، پوچی و بی‌قراری را تجربه می‌کند و آنومی در سطح اجتماعی را نشانگر نوعی اختلال، اغتشاش و بی‌هنجاری در نظام اجتماعی می‌داند. بنابراین آنومی و بی‌هنجاری به عنوان شاخصی که باعث عدم انسجام اجتماعات انسانی می‌گردد، باید مورد توجه قرار گیرد. یافته‌های مدل معادله ساختاری هم نشان داد که نسبت کای اسکوئر درجه آزادی (CMIN/DF) یا کای اسکوئر نسبی ۱/۷۸۸، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) با مقدار ۰/۹۶۸، شاخص‌های برازش تطبیقی (CFI) به مقدار ۰/۹۹۵ و شاخص TLI به مقدار ۰/۹۹۱، شاخص برازش مقتصد ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA به مقدار ۰/۰۴۵ و شاخص برازش تطبیقی مقتصد PCFI به مقدار ۰/۵۳۱ قابل قبول بودن مدل را نشان می‌دهند.

فرضیه دوم، رابطه دین‌داری با مدارای اجتماعی شهروندان را بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه مثبت و مستقیمی بین متغیر دین‌داری با مدارای اجتماعی شهروندان وجود دارد. یعنی هر چه میزان دین‌داری شهروندان بیش‌تر باشد، میزان مدارای اجتماعی شهروندان هم بیش‌تر می‌باشد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات افراسیابی (۱۳۹۰) و موناوار (۲۰۱۲) همسو است. بر اساس نظریه دورکیم کارکرد مهم دین تقویت وجدان جمعی و انسجام اجتماعی است. به اعتقاد دورکیم، دین، هنجارهایی را برای وجدان جمعی تجویز می‌کند و انتظار دارد که اعضای جامعه آن را درونی کرده و بر مبنای آن عمل کنند. در راستای نتایج به دست آمده از مدل معادله ساختاری در این پژوهش نسبت کای اسکوئر درجه آزادی (CMIN/DF) یا کای اسکوئر نسبی ۲/۰۶۵، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) با مقدار ۰/۹۶۳، P VALUE به مقدار ۰/۰۲۹، PCFI مقدار ۰/۵۹۸، همراه با سایر شاخص‌های برازش مقادیر قابل قبول بودن مدل را نشان می‌دهند.

فرضیه سوم، رابطه اعتماد اجتماعی شهروندان با مدارای اجتماعی آنان بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه مثبت و مستقیمی بین متغیر اعتماد اجتماعی با مدارای اجتماعی شهروندان وجود

دارد. یعنی هر چه میزان اعتماد اجتماعی شهروندان بیش‌تر باشد، میزان مدارای اجتماعی آنان هم بیش‌تر می‌باشد. نتایج آزمون این فرضیه با نتایج تحقیق میلر (۲۰۰۵) همسو است. بر اساس نظریه پاتنام وجوه گوناگون سازمان‌های اجتماعی هم‌چون اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که با تسهیل اقدامات هماهنگ که باعث بهبود کارایی و افزایش سطح اعتماد اجتماعی در جامعه می‌شوند و همچنین ایجاد فضایی که در آن افراد به مبادله افکار و عقاید خود می‌پردازند. براون نیز تأثیر اعتماد بر مدارا را تأیید کرده و نشان داده است که اعتماد اجتماعی با مدارا رابطه مثبت دارد و حضور آن باعث ارتقای مدارا نسبت به دیگران می‌شود (براون، ۲۰۰۶: ۵۷). برای آزمون این فرضیه هم از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری در برنامه ایموس استفاده شد که نسبت کای اسکور درجه آزادی (CMIN/DF) یا کای اسکور نسبی ۱/۰۶۲، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) با مقدار ۰/۹۸۱، شاخص‌های برازش تطبیقی (CFI) به مقدار ۱/۰۰۰ و شاخص TLI به مقدار ۱ حاکی از قابل قبول بودن مدل است. شاخص برازش مقتصد ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA به مقدار ۰/۰۱۳ و شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI) به مقدار ۰/۵۳۳ می‌باشد که هر دو شاخص مقتصد، مقادیر قابل قبول می‌باشند اما مقدار P VALUE نیاز مدل به اصلاح را نشان داد که جهت انجام اصلاحات لازم مدل معادله ساختاری سه‌عاملی مرتبه دوم که با افزوده شدن متغیر پنهان اعتماد به وجود امنیت که از تلفیق دو متغیر اعتماد اجتماعی و امنیت به وجود آمد.

فرضیه چهارم، رابطه ارزش‌های ابراز وجود با مدارای اجتماعی شهروندان را بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه مثبت و مستقیمی بین متغیر اعتماد اجتماعی با مدارای اجتماعی شهروندان وجود دارد. یعنی هر چه میزان اعتماد اجتماعی شهروندان بیش‌تر باشد، میزان مدارای اجتماعی آنان هم بیش‌تر می‌باشد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیق مقتدایی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. بر اساس نظریه اینگلهارت، اخلاق مدارا و احترام به ارزش‌ها و اعتقادات دیگران، نتیجه رشد ارزش‌های ابراز وجود است. از نظر اینگلهارت، گسترش قلمرو انتخاب انسانی منجر به گرایش به سمت ارزش‌های ابراز وجود می‌گردد. به عبارت دیگر ارزش‌های ابراز وجود زمانی که تهدیدات وجودی کاهش می‌یابد، تمایل به گسترده شدن دارد. بر این اساس در جوامع دارای نظام ارزشی مبتنی بر ابراز وجود تأکید فزاینده‌ای بر آزادی‌های فردی مدارا نسبت به سایر گروه‌ها و افراد می‌گردد. مدل‌سازی معادلات ساختاری هم نشان داد که نسبت کای اسکور درجه آزادی (CMIN/DF) یا کای اسکور نسبی ۱/۶۸، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) با مقدار ۰/۹۷، شاخص‌های برازش تطبیقی (CFI) به مقدار ۰/۹۹۷ و شاخص TLI به مقدار ۰/۹۹۴، شاخص برازش مقتصد ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA به مقدار ۰/۰۴ و شاخص برازش تطبیقی مقتصد (PCFI) به مقدار ۰/۵۳۲ می‌باشد که هر دو شاخص مقتصد، مقادیر قابل قبول بودن مدل را نشان می‌دهند. هر چند P

VALUE مقدار ۰/۰۹۶ به دست آمده اما با توجه به فاصله درجه آزادی (DF) از مدل اشباع و نزدیک شدن به سمت مدل استقلال، این مدل مطلوب تلقی می‌گردد.

فرضیه پنجم، رابطه بین فردگرایی با مدارای اجتماعی شهروندان را بررسی می‌کند. با توجه نتایج آزمون این فرضیه، رابطه معناداری بین متغیر فردگرایی با مدارای اجتماعی شهروندان وجود ندارد. نتایج این فرضیه، با نتایج تحقیق فرزام (۱۳۹۵)، همسو می‌باشد. بر اساس نظریه تریاندیس، در فرهنگ‌های فردگرا، تقدم اهداف فردی بر اهداف جمعی و شکل‌گیری رفتار اجتماعی بر مبنای سود و زیان فردی می‌باشد. اعضای فرهنگ‌های فردگرا دارای عناصر فردگراتر هستند. فردگراها درون گروه‌های بسیاری دارند و کمتر به یک گروه وابسته هستند و در صورت هم‌نواپی به سادگی درون گروه‌شان را تغییر می‌دهند. شوارتز هم معتقد است که فردگراها، اهداف فردی را به کار می‌گیرند که می‌تواند با اهداف درون گروه‌شان سازگار باشد یا نباشد و اگر مغایرتی بین این دو وجود داشته باشد، فردگراها اولویت را به اهداف فردی شان می‌دهند. یافته‌های مدل معادله ساختاری نشان داد که این مدل دارای شرط رتبه با درجه آزادی ۴ می‌باشد اما دارای شرط مرتبه یعنی کای اسکور نمی‌باشد و برای اصلاح مدل وزن رگرسیونی متغیر پنهان فردگرایی به معرف جمع‌گرایی را برابر یک قرار داده شد و همچنین در نظر گرفتن عدد چهار بر آستانه شاخص‌های اصلاح و همچنین آزاد گذاردن و ثابت کردن پارامترها، هم‌چنان شرط مرتبه برقرار نگردد، متغیر فردگرایی از مدل معادله ساختاری حذف گردید.

فرضیه ششم، رابطه بین جزم‌اندیشی با مدارای اجتماعی شهروندان را بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه معناداری بین متغیر جزم‌اندیشی با مدارای اجتماعی شهروندان وجود ندارد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات حسین‌زاده (۱۳۹۴) و مقتدایی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. بر اساس نظریه هینکلی، تمایلات فردی، تأثیر و مشارکت را بر مدارا مشروط می‌کند. ممکن است ویژگی‌هایی مانند دگماتیسم با تحریک متفکران دگماتیک به عنوان جدالی بین کنشگران که به لحاظ اخلاقی خوب یا بد هستند از یادگیری دموکراتیک جلوگیری کند. این چارچوب شناختی می‌تواند به تغییر فرصت برای فراگیری ارزش مدارا در یک موقعیت، به منظور تبلور این عقیده که گروه‌های متعدد مورد تنفر، شایسته حقوق دموکراتیک نیستند، کمک کنند. بررسی برازش یافته‌های مدل معادله ساختاری نشان داد که شاخص برازش مقتصد ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) و همچنین مقدار به دست آمده در کای اسکور نسبی (CMIN/DF) و شاخص برازش تطبیقی مقتصد نیاز مدل معادله ساختاری به اصلاح را نشان داد. بنابراین با ثابت کردن واریانس متغیر جزم‌اندیشی بر متغیر باورهای منطقی برابر با عدد یک، کای اسکور نسبی مدل از مقدار ۵/۰۶۵ به ۴/۱۸۰ و مقدار RMSEA از ۰/۱۰۳ به ۰/۰۹۱ و مقدار PCFI از ۰/۳۹۴ به ۰/۴۹۳ که مقدار قابل قبول‌تری می‌باشد، تغییر یافت. بنابراین با توجه به خروجی به دست آمده از مدل اصلاح شده، این مدل در مدل معادله ساختاری نهایی باقی ماند.

واکاوی جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در ...

فرضیه هفتم، رابطه احساس امنیت با مدارای اجتماعی شهروندان را بررسی می‌کند. با توجه به نتایج آزمون این فرضیه، رابطه مثبت و مستقیمی بین متغیر احساس امنیت با مدارای اجتماعی شهروندان وجود دارد. یعنی هر چه میزان اساس امنیت شهروندان بیش تر باشد، میزان مدارای اجتماعی آنان هم بیش تر می‌باشد. نتایج این فرضیه با نتایج تحقیقات مقتدایی (۱۳۸۹) و افراسیابی (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. بر اساس نظریه دنیس چونگ، احساس امنیت اجتماعی، محور به وجود آمدن بردباری و فرایند سازگاری است، زیرا امنیت اجتماعی یکی از متغیرهای مهم و اساسی در رابطه با مدارای اجتماعی است و فضای امن حاکم بر جامعه، فرصت بیش تری را برای هم پیوستگی و مدارای اجتماعی در جامعه فراهم می‌سازد. دنیس چونگ معتقد است، هر چیزی که خطرناک تر به نظر برسد، کم تر در مورد آن بردباری به خرج داده خواهد شد و به همین جهت احساس امنیت در جامعه، مدارای اجتماعی را در پی خواهد داشت. شاخص‌های کلی برازش هم نشان داد که مدل معادله ساختاری تدوین شده جهت متغیر امنیت قابل قبول نمی‌باشد. بنابراین مدل معادله ساختاری تأثیر امنیت بر مدارا و مدل معادله ساختاری تأثیر اعتماد اجتماعی بر مدارا در قالب مدل سه عاملی مرتبه دوم با افزوده شدن متغیر پنهان اعتماد به وجود امنیت طراحی و با انجام اصلاحات لازم شاخص‌های کلی برازش نشان داد که مدل معادله ساختاری تدوین شده قابل قبول می‌باشد. نسبت کای اسکوتر درجه آزادی (CMIN/DF) یا کای اسکوتر نسبی ۳/۵۸۲ حاکی از یک وضعیت قابل قبول برای مدل است. شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) با مقدار ۰/۹۳۷ بررسی وضعیت شاخص‌های برازش تطبیقی (CFI) به مقدار ۰/۹۸۹ و شاخص TLI به مقدار ۰/۹۸۲ حاکی از قابل قبول بودن مدل می‌باشد. هر چند شاخص برازش مقتصد ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) به مقدار ۰/۰۸۲ به دست آمده که با سطح استاندارد ۰/۰۵ کمی فاصله دارد اما سایر مقادیر به دست آمده از سایر شاخص‌های برازش همچون شاخص نسبت اقتصاد (PRATIO) به مقدار ۰/۸۳۷، شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI) به مقدار ۰/۷۶۸ و شاخص مقتصد برازش تطبیقی مقتصد (PCFI) به مقدار ۰/۵۹۴ مطلوب و قابل قبول بودن مدل را تأیید می‌کنند. به منظور قابل قبول بودن شاخص‌های برازش در مرحله اول و قبل از هرگونه اصلاح در مدل ساختاری با اتخاذ رویکرد دو مرحله‌ای، مدل‌های اندازه‌گیری مورد تجزیه و تحلیل و در صورت نیاز مورد اصلاح قرار گرفتند. نسبت کای اسکوتر به مقدار ۳/۵۳۸ حاکی از یک وضعیت قابل قبول برای مدل است. شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI) با مقدار ۰/۸۳۶، شاخص‌های برازش تطبیقی (CFI) به مقدار ۰/۹۳۹ و شاخص TLI به مقدار ۰/۹۲۸ و همچنین شاخص برازش مقتصد ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA به مقدار ۰/۰۸۱ و شاخص برازش تطبیقی مقتصد PCFI به مقدار ۰/۷۸۶ قابل قبول بودن مدل نهایی را نشان می‌دهد.

به منظور پیش‌بینی رابطه معناداری متغیرهای مستقل دین‌داری با ضریب تعیین (۰/۰۲۸)، اعتماد اجتماعی (۰/۰۱۱)، ارزش‌های ابراز وجود (۰/۰۲۳) و احساس امنیت با ضریب تعیین (۰/۰۱۵) از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده گردید که مقدار ضریب تعیین هر کدام از این متغیرهای مستقل، تغییرات متغیر وابسته مدارای اجتماعی را تبیین می‌کند. بنابراین با توجه به متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون و سطح معناداری متغیرهای مستقل اثرگذار بر متغیر وابسته مدارای اجتماعی که کم‌تر از خطای مفروض در پژوهش (۰/۰۵) است و به همین دلیل متغیرهای مستقل دین‌داری، اعتماد اجتماعی، ارزش‌های ابراز وجود و احساس امنیت اجتماعی در مدل معنادار است. از بین متغیرهای مستقل تحقیق، دین‌داری با ضریب بتای (۰/۱۶۹)، ارزش‌های ابراز وجود با ضریب بتای (۰/۱۵۲)، احساس امنیت با ضریب بتای (۰/۱۲۳)، احساس اعتماد اجتماعی با ضریب بتای (۰/۱۰۵) و فردگرایی با ضریب بتای (۰/۰۴۱)، آنومی با ضریب بتای (۰/۰۵) و جزم اندیشی با ضریب بتای (۰/۰۶) می‌باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش به منظور افزایش مدارای اجتماعی و رفع چالش‌های آن پیشنهادها زیر ارائه می‌گردد:

- ۱- گسترش مطالعات علمی همه جانبه و هماهنگ برای شناخت هرچه بیش‌تر شاخص‌ها و مؤلفه‌های مؤثر بر مدارای اجتماعی و تأثیر عدم مدارا بر انواع مخاطرات پیش‌روی در کشور حائز اهمیت است.
- ۲- استفاده از رسانه‌ها به منظور تولید برنامه‌های مناسب در جهت آموزش و ارتقای فرهنگ تحمل و مدارای اجتماعی در بین شهروندان. نقش رسانه‌ها و خانواده در حوزه مدارای اجتماعی، واقعیتی انکارناپذیر است که مورد غفلت واقع شده است.
- ۳- ترویج فرهنگ گفت‌وگو و تعامل سازنده با دیگران در حل تعارضات بین افراد و گروه‌ها از طریق برنامه‌های نمایشی و گفتگو محور در کاهش تنش‌ها در روابط اجتماعی مؤثر خواهد بود.
- ۴- ضروری است تا هم‌زیستی مسالمت آمیز در جامعه با پذیرش و احترام متقابل به تنوع افکار و عقاید تقویت شود و افراد با افزایش تحمل خود پذیرش بیش‌تری نسبت به یکدیگر داشته باشند و فرهنگ مدارای اجتماعی شکل گیرد چرا که رعایت احترام متقابل به حفظ کرامت انسان‌ها در جامعه می‌انجامد.
- ۵- متأسفانه مدارای سیاسی جایگاه مناسبی در کشور ندارد و نیاز است که این مفهوم جای خود را در جامعه باز کند و تعهد به شناخت، احترام، مشارکت، گفت‌وگو و تفاهم با دیگرانی که متفاوت و حتی متضاد با ما می‌اندیشند، ضروری است که این امر به توسعه حقوق شهروندی کمک می‌کند. با فرهنگ‌سازی در حوزه مدارای اجتماعی و فرهنگی می‌توانیم جامعه‌ای عاری از خشونت و مملو از مهربانی اجتماعی را تجربه کنیم.
- ۶- مدارای فرهنگی در جامعه ایران اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا ایران متأثر از فرآیند نوسازی بوده و پدیده‌هایی هم‌چون مهاجرت و ظهور رسانه‌ها در ایران شدت گرفته است که پراکندگی و گسترده‌گی عقاید،

واکاوی جامعه‌شناختی چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با مدارای اجتماعی در ...

رفتارها، آداب و رسوم و خلق و خواها را به همراه داشته که از این رو مدارا بویژه در بعد فرهنگی حائز اهمیت است. هم‌چنین ایران به لحاظ تاریخی دارای اقوام، فرهنگ‌ها، خرده فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون است که به تبع آن مدارای فرهنگی اهمیت می‌یابد و از این منظر مدارای فرهنگی بستر مهمی برای مدارای سیاسی و اجتماعی است.

۷- افزایش نشاط اجتماعی سبب کاهش میزان خشونت‌های اجتماعی، انحراف‌های اجتماعی و ارتقای سطح سلامت جسمی و روانی شهروندان و افزایش مدارای اجتماعی می‌شود.

۸- تأمین امنیت اقتصادی و شغلی، هنجارهای اجتماعی مقبول و الگوهای سیاسی، مذهبی و اجتماعی در پیش‌گیری از کاهش مدارای اجتماعی موثر می‌باشند.

۹- به منظور هماهنگی جهانی ضروری است که افراد، اجتماعات و ملت‌ها، شخصیت چندفرهنگی خانواده بشری را بپذیرند و بدان احترام بگذارند. بدون مدارا، صلح نمی‌تواند وجود داشته باشد و بدون صلح، توسعه و دموکراسی وجود نخواهد داشت.

۱۰- روابط اجتماعی، ارتباط مثبتی با مدارای اجتماعی دارد. بنابراین توسعه مهارت‌های اجتماعی از طریق نهادهایی همچون خانواده، مدرسه، دانشگاه‌ها و سازمان‌ها می‌تواند بستر لازم را برای برقراری روابط بیش‌تر در جامعه را فراهم سازد.

منابع

- افراسیابی، حسین. (۱۳۹۰). مطالعه نقش مدارا در انسجام اجتماعی. پایان‌نامه دکتری رشته جامعه‌شناسی. دانشگاه شیراز.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۹). نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی. ترجمه‌ی یعقوب احمدی. تهران: انتشارات کویر.
- پرین، لارنس. (۱۳۷۴). روان‌شناسی شخصیت - نظریه و تحقیق. ترجمه‌ی محمد جعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- جهانگللو، رامین. (۱۳۸۱). مدارا و کثرت‌گرایی. فصلنامه پل فیروزه، سال دوم. شماره ۵.
- حسین‌زاده، حسین. (۱۳۹۴). بررسی جامعه‌شناختی ابعاد مدارای اجتماعی با تأکید بر ویژگی‌های شخصیتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز). دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی. دانشگاه یزد.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۱). درباره تقسیم کار اجتماعی. ترجمه‌ی باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال شانزدهم، شماره شصت و دوم، پاییز ۱۳۹۸

- ربانی خوراسگانی، علی؛ ربانی، رسول؛ ادیبی سده، مهدی؛ مودنی، احمد. (۱۳۹۰). بررسی نقش تنوع اجتماعی در ایجاد شهرهای خلاق و نوآور. فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۲۱. بهار: ۱۸۰-۱۵۹.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۷). آنومی یا آشفتگی اجتماعی. تهران: نشر سروش.
- زالی زاده، محسن. (۱۳۹۳). پیش بینی ابعاد مدارای اجتماعی براساس سبک‌های هویت شناختی- اجتماعی در دانشجویان. فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی. دوره ۴.
- سراج زاده، سیدحسین. (۱۳۸۳). بررسی رابطه میزان دین داری و انواع آن با مدارای اجتماعی. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴. صص ۴۲-۱۰۹.
- شارع پور، محمود. (۱۳۸۵). گونه‌شناسی مدارا و سنجش آن در بین دانشجویان دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه تهران و علامه طباطبایی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم. شماره ۸. صص ۳۴-۱.
- عنایت، احمد. (۱۳۷۹). مجموعه مقالات شامل آری یا نه؛ دفتر نخست، گردآورنده مؤسسه فرهنگی اندیشه. تهران: نشر خرم، بهار. چاپ اول.
- فرزام، نازنین. (۱۳۹۵). بررسی جامعه‌شناختی تأثیر سرمایه فرهنگی بر ارتباطات بین فردی با تأکید بر مدارای اجتماعی. مجله مطالعات فرهنگ- ارتباطات، سال هفدهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۹۵.
- حسینی، هاجر. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی، احساس بی قدرتی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران.
- گلابی، فاطمه؛ رضایی، اکرم. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۲، صص ۸۶-۶۱.
- مقتدایی، فاطمه. (۱۳۸۹). بررسی و سنجش میزان مدارای اجتماعی و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی.
- وبر ماکس. (۱۳۸۲). دین، قدرت، جامعه. ترجمه‌ی احمد تدین. تهران: انتشارات هرمس.

- Brown, Kevin M. (2006). Aspects of comparative Active Citizenship, The Australia and New eland Third Sector Research. Eight Biennial Conferences. 26-28 November.
- Chong, Dennis (1994). Social Tolerance to new Norms and Practices. Political Behavior. 16(1).
- Erickson, B. H. (2009). Untangling the roots of tolerance, American Behavioral Scientist, 12: 1664- 1689.
- Glatzer, W. Halle in – benze, G and Weckem, nn, s. (2010). Social Cohesion in Germany, The tocyu eville Review, Vol. 31, PP. 41-70.
- Hinchly, Robert. A. (2010). Personality and Political Tolerance: The Limits of Democratic Lerning in post communist Europe. Comparative Political studies, 43(2), 188-207.

- Miller, Steven D. & Sears, David O. (2005). Stability and change in Social Tolerance: A Test of the persistence Hypothesis, American Journal of political Science, Vol. 30, No. 1. Pp. 214-234.
- Moreno-Riano, Gerson. (2003). The roots of tolerance. In: Revue of Politics 01.65:1.
- Munawar Ismail, Ahmad. (2012). Aqidah as a Basis of Social Tolerance: The Malaysian Experience, International Journal of Islamic Thought Vol.1
- Neufeldt, V. (1988). Webster's new world dictionary. New York: Simon Schuster.
- OXFORD Dictionary (2008). Oxford university press.
- Persell, Caroline Hodges, Green, Adam. Gurevich, Liena. (2001). Civil Society, Economic Distress, and social Tolerance Sociological Forum 16(2).
- Phelps, E. (2004). White students Attitudes towards Asian American Students at the University of Washington: A study of Social Tolerance and Cosmopolitanism, Dissertation, New York
- Robinson, J., Witenberg, R., & Sanson, A. (2001). The socialization of tolerance. In M. Augoustinos & K. J. Reynolds (Eds.), Understanding prejudice, racism and social conflict (pp. 73-88). London: Sage.
- Sabini, John. (1995). Social psychology, Norton & Company, Inc, New York.
- Triandis, Harry C. (1996). The Psychology Measurement of Cultural Syndromes, American Psychological, 1-51(4).
- Witenberg, R. T. & Butrus, N. (2012). Some Personality Predictors of Tolerance to Human Diversity: The Roles of Openness, Agreeableness, and Empathy". Journal of Australian Psychological Society, No. 65, p 220-235.